



● شکل‌گیری کمیته امداد امام خمینی (ره)

کمیته امداد امام خمینی در لبنان چگونه شکل گرفت؟

یکی از فعالیت‌های ماندگار سید عیسی طباطبایی در لبنان راه‌اندازی نهادی به اسم کمیته امداد امام خمینی بود که اگرچه در اسم به نهاد داخل ایران مشابه بود اما کاملاً مستقل عمل می‌کرد. در این گزارش با استفاده از نظرات چهره‌های حاضر در لبنان از روند تأسیس و فعالیت آن به دست سید عیسی طباطبایی آشنا می‌شویم.

آغاز فعالیت کمیته امداد لبنان از زیرزمین

سید عیسی طباطبایی چرا در لبنان احساس نیاز کرد کمیته امداد تأسیس شود؟ خودش در پاسخ به این سؤال می‌گوید: «مهدی کروبی رئیس بنیاد شهید بود. ارتباط ما با ایشان خیلی قوی بود، به ما امکانات می‌داد و دست ما را هم کمی باز گذاشته بود. در کنار آن کار کمیته امداد را شروع کردیم. کار ما گسترده بود. یعنی هم خانواده شهدا بود، هم جانبازان، هم رسیدگی به امور فقرا و آوارگان. ما به مرور زمان این مؤسسات را از هم‌دیگر جدا کردیم. دیدیم که جای کمیته امداد همان طور که در ایران خیلی خوب کار می‌کند، در لبنان خالی است. من به ایشان گفتم که بودجه‌ای برای این کار بگذارید تا اینکه یک مؤسسه مخصوص نیازمندان در لبنان راه بیندازیم. ایشان قبول کرد. با کمیته امداد در ایران صحبت کرد، من هم رفتم با آنها صحبت کردم و زمینه را فراهم کردیم. آقای عسگر اولادی، آقای نیری و آقای حیدری به لبنان آمدند. در ضمن اینکه لبنان را می‌گشتیم و اوضاع اینها را می‌دیدیم که زمینه را برای تأسیس کمیته امداد آماده بکنیم در جنوب به همان منطقه‌ای رفتیم که من هفتاد و پنج روز محاصره بودم. وضع بیروت هم ناامن بود. من زیرزمینی داشتم که از حقوق شرعیه تهیه کرده بودم. بین سوری‌ها و فالانزها در منطقه عین الحلوه، آنها را از روی ترس شبانه در همان زیرزمین خواباندم و آنها را به اولین پایگاه امداد تبدیل کردم. این زیرزمین به مساحت هزار متر بود با یک نصف طبقه، این آقایان چند شب را به حالت خیلی اضطرار در منطقه بیروت و لبنان گذراندند و بعد به ما اجازه دادند که کمیته امداد را تأسیس کنیم. یعنی کمیته امداد به عنوان یک کمیته رسمی مثل کاری که در ایران انجام می‌گیرد، اینجا هم بر همین اساس شروع به فعالیت کرد.»

امام گفت ببینید برادران من در لبنان چه چیزی نیاز دارند

از دیگر کسانی که می‌تواند درباره تأسیس کمیته امداد در لبنان سخن بگوید، محمد البرجای عضو شورای مرکزی حزب الله لبنان است. او از ابتدای انقلاب با سید عیسی آشنا شده است و به ایران هم رفت و آمد دارد. او در این باره می‌گوید: «در سال ۱۹۸۶ که وضع اقتصادی و معیشتی باعث مشکل برای تمام لبنانی‌ها شد امام راحل بعد از فرستادن نامه‌های متعددی که به ۱۰۰ یا بیشتر می‌رسید به مسئولان کمیته امداد در تهران گفتند: بروید به سوی برادران من در لبنان و ببینید چه چیزی نیاز دارند. بعد از این کمیته امداد شاخه لبنان تحت رهبری سید عیسی طباطبایی تشکیل شد و این چیزی که امروز می‌بینید از قبیل بنیاد شهید، بنیاد جانبازان، بیمارستان‌ها، مؤسسه قرض الحسنه و غیره همه زیرساخت‌هایی هستند که پس از آن مساعده امام و تشکیل بیت المال راه افتادند و البته با مانع تراشی‌های بسیاری از سوی امریکا و دشمنان مواجه شدند. همان مؤسسه‌ها بودند که مقاومت را در بر گرفتند و علاوه بر مقاومت خط دفاعی محکمی از طرفداران مقاومت را تشکیل دادند. این همان مؤسسه‌ای بود که هم شامل اعضای حزب الله می‌شد و هم از آنها حمایت می‌کرد؛ این ایجاد نمایندگی کمیته امداد امام خمینی و سپس نمایندگی مقام معظم رهبری در لبنان و صرف وجوهات شرعی باعث تسریع امور شد. البته همه این کارها با همکاری شهید سید عباس موسوی و سید حسن نصرالله صورت می‌گرفت.»

لزوم رسیدگی به وضعیت نیروهای حزب الله

محمود نورایی کاردار وقت سفارت ایران در لبنان در سال ۶۱ درباره راه‌اندازی کمیته امداد امام خمینی در لبنان این طور می‌گوید: «زمانی که حزب الله عملیاتی انجام می‌داد عده‌ای در این عملیات به شهادت می‌رسیدند و خانواده آن شهدا نیاز به رسیدگی داشت و این رسیدگی نیازمند راه‌اندازی تشکل و ساختاری مرتبط بود. در این زمینه سید عیسی نخستین کسی بود که این مسئولیت را بر عهده گرفت و مسئولان بعدی از جمله آقای جلیلی و چند نفر دیگر آمدند و این مسیر را تا به امروز ادامه دادند. شعبه‌ای از بنیاد شهید در بیروت وجود دارد که خانواده‌های شهدای حزب الله را تحت پوشش دارد و همان خدماتی را که در ایران دارند در لبنان نیز ارائه می‌دهند. کمیته امداد هم خدماتی نظیر آنچه در کمیته امداد ایران ارائه می‌شود برای خانواده‌هایی که زیر خط فقر هستند و مشکلات مالی دارند، ارائه می‌دهد.» به گفته نورایی بودجه این نهادها از طریق شیعیان کشورهای عراق و کویت تأمین می‌شد.

کمیته امداد در لبنان کاملاً جا افتاده است

دکتر عباس خامه‌یار سال‌ها ریزن فرهنگی ایران در بیروت بود و با فعالیت این نهاد به خوبی آشناست: «آقا سید عیسی از زمان اشغال بیروت توسط رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۲ به بعد ۱۲ پروژه بزرگ ماندگار بی‌سابقه فرهنگی، اجتماعی و خدماتی را پایه‌گذاری کرد و به بهره‌برداری رساند که این پروژه‌ها فرزندان خلفی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی هستند مثل کمیته امداد امام خمینی که افراد تحت کفالت این کمیته قرار می‌گیرند و از بدو ورود به دبستان تا دوره‌های دانشگاهی ایتم یا فقرا تحت پوشش قرار می‌گیرند. در این رابطه افراد متکفلی را از متمولان و از ثروتمندان، خیرین خلیج فارس و کشورهای مختلف جذب می‌کنند و به صورت پنهانی تفاهنامه‌ها و قراردادهای امضا می‌شود و هر کدام این افراد، خانواده‌ها یا افرادی را تحت پوشش قرار می‌دهند بدون اینکه اعلام رسمی شود. آقا سید با حفظ حیثیت و آبروی تک تک این خانواده‌ها و افراد به آنها کمک می‌کند. تشکیلات عظیمی برای این کار شکل می‌گیرد و مانند ایران صندوق صدقات در شهرها، روستاها و اماکن عمومی نصب شده و کاملاً خودکفا و تحت نظارت نمایندگان حضرت امام و حضرت آقا اداره می‌شود؛ کمیته امداد برای مردم لبنان کاملاً جا افتاده است.»

تأثیرات فرهنگی و اجتماعی سید عیسی طباطبایی در لبنان از زبان یار دیرینش حجت الاسلام رحیمیان

آقا سید عیسی «فرهنگ جدیدی را نسبت به اهل بیت (ع) در قلوب لبنانی‌ها ایجاد کرد»

عزت نفسی که او در خانواده شهدای لبنان به وجود آورد یک امر متمایزی بود

● گفت و گو

حجت الاسلام حاج شیخ محمدحسن رحیمیان از جمله افرادی است که با تبعید امام خمینی (ره) به نجف به آن شهر رفت و جزو افرادی است که در طول نهضت امام در صحنه‌های مختلف حضور داشته‌اند. دوستی و آشنایی ایشان با حجت الاسلام سید عیسی طباطبایی نیز به نجف بازمی‌گردد. دوران پیروزی انقلاب اسلامی، دیدارهایی که آقای طباطبایی خدمت امام در تهران داشتند، فعالیت‌های ایشان به عنوان نماینده امام خمینی در لبنان و نحوه شکل‌گیری مؤسسات مختلف توسط آقای طباطبایی در لبنان از جمله موضوعات گفت‌وگوی ما با حجت الاسلام رحیمیان بود.

آشنایی شما با آقای طباطبایی از چه زمانی و چگونه آغاز شد؟

چند ماهی بعد از انتقال حضرت امام از ترکیه به نجف اشرف، بنده هم به نجف مشرف شدم و از همان زمان به لحاظ اینکه هر دو محل تلاقی مان امام خمینی و خانه امام بود، با ایشان آشنا شدم. ولی خیلی نگذشت که ایشان به لبنان مهاجرت کرد.

دلیل مهاجرت‌شان چه بود؟

لبنان یک جاذبه خاصی داشت، هم به لحاظ حضور شیعه و هم به لحاظ جغرافیایی و اقلیمی برخلاف عراق که از نظر ظرفیت‌های مذهبی و مرقد‌های ائمه از یک قداست بالایی برخوردار بود، اما متأسفانه شرایط حقیقتی در عراق حاکم بود و از نظر شرایط زندگی هم وضعیت مناسبی نداشت. اما لبنان شرایط خیلی بهتر بود، از نظر اقلیمی جذابیت بیشتری داشت و شیعیان مخلص در آنجا باعث می‌شد که جذابیت خاصی داشته باشد.

در مدت حضور آقای طباطبایی در لبنان تا پیروزی انقلاب اسلامی، ارتباطی با هم داشتید؟

آن روزها مانند امروز ارتباط‌ها به راحتی انجام نمی‌شد، آن هم در عراق، مگر یک وقت‌هایی که در اثنای سفر ایشان به عراق مجدداً هم‌دیگر را می‌دیدیم.

آقای طباطبایی در لبنان جزو فعالین نهضت حضرت امام و از طرفداران مخلص حضرت امام بود. البته در لبنان خیلی همسویی با ایشان وجود نداشت، معدود افرادی بودند که علاقه‌مندانه در ارتباط با نهضت امام کار می‌کردند. بعد از رحلت آیت‌الله سید محسن حکیم هم بعضی از شخصیت‌های مطرح در لبنان، شیعیان را به مرحوم آیت‌الله خویی ارجاع دادند. طبعاً آن طیف خیلی همراهی با نهضت حضرت امام نداشتند اما سید عیسی حتی علیرغم شرایط نامساعد با جدیت پیگیر نهضت امام بود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نوع ارتباط‌تان با آقای طباطبایی چگونه بود؟

با پیروزی انقلاب آقای سید عیسی با سابقه روشن طرفداری امام و تقلید و پیروی از خط حضرت امام، در لبنان نقش مهمی را ایفا کرد. ایشان اولین شخصی است در لبنان که اجازه امور حسبه از حضرت امام دریافت کرد و شیعیان لبنان از طریق ایشان وجوهات‌شان را برای حضرت امام ارسال می‌کردند. و بعدها از طریق پیگیری‌های ایشان برای عده دیگری



در مدت حضور آقای طباطبایی در لبنان تا پیروزی انقلاب اسلامی، ارتباطی با هم داشتید؟

آن روزها مانند امروز ارتباط‌ها به راحتی انجام نمی‌شد، آن هم در عراق، مگر یک وقت‌هایی که در اثنای سفر ایشان به عراق مجدداً هم‌دیگر را می‌دیدیم.

آقای طباطبایی در لبنان جزو فعالین نهضت حضرت امام و از طرفداران مخلص حضرت امام بود. البته در لبنان خیلی همسویی با ایشان وجود نداشت، معدود افرادی بودند که علاقه‌مندانه در ارتباط با نهضت امام کار می‌کردند. بعد از رحلت آیت‌الله سید محسن حکیم هم بعضی از شخصیت‌های مطرح در لبنان، شیعیان را به مرحوم آیت‌الله خویی ارجاع دادند. طبعاً آن طیف خیلی همراهی با نهضت حضرت امام نداشتند اما سید عیسی حتی علیرغم شرایط نامساعد با جدیت پیگیر نهضت امام بود.

مستندی با عنوان «مهاجر سپید»

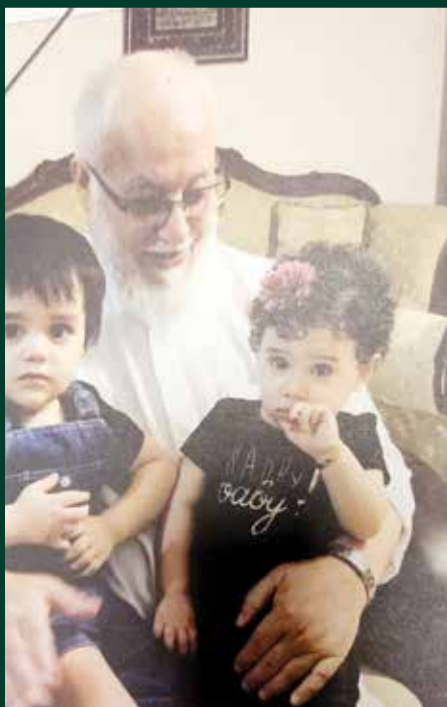
مستندی درباره سید

● مستند

محمد رضا عباسیان
مستند ساز

من توانستم مستندی با عنوان «مهاجر سپید» در مورد سید عیسی طباطبایی بسازم که حداقل برای ۱۰-۱۲ سال پیش است ولی به هر حال یک چیزی ساخته شد. هرچند که تا الان پخش نشده است ولی اگر حتی ده‌ها مستند خیلی خوب و حرفه‌ای دیگر هم ساخته بشود نمی‌تواند همه ابعاد زندگی آقای طباطبایی توانایی‌های ایشان و کاری را که ایشان کرده است، به نمایش بگذارد.

آقای طباطبایی با ما هم‌روستایی بودند و پدرشان فوت می‌کنند و به خاطر شرایط سخت آن روزگار به روستای بدری بنده می‌آیند و با عمویشان زندگی می‌کنند. با برخی از افراد روستا هم رابطه‌ای داشتند



مستند